



An Analysis of the Conflict Between Tradition and Modernity Based on Linguistic Representations Using van Leeuwen's Theory in the Novel *Yomiat Roz* by Reem Al Kamali



Doi:10.22067/jall.2026.94991.1574

Kobra Rahmati

Ph.D Candidate of Arabic Language and literature, Faculty of literature and Humanities,
Razi University, Kermanshah, Iran

Tooraj Zeynivand ¹

Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of literature and Humanities,
Razi University, Kermanshah, Iran

Maryam Rahmati Torkashvand

Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of literature and Humanities,
Razi University, Kermanshah, Iran

Received: 17 September 2025 ■ Received in Revised form: 30 January 2026 ■ Accepted: 13 February 2026

Abstract

This study analyzes the contrast between tradition and modernity in Reem Al-Kamali's Novel *Yomiat Roz*, utilizing Theo Van Leeuwen's theory of linguistic representation. The theoretical foundation of the research employs Van Leeuwen's approach to demonstrate how specific linguistic choices—including vocabulary, grammar, style, and ideology—function as methods for portraying this contrast. Analysis of the novel's text reveals that the language of tradition is represented through descriptive vocabulary, extended sentences, past tense verbs, and archaic expressions, particularly in the grandmother's dialogue. This linguistic style evokes sentiments of nostalgia, belonging, and respect for cultural heritage. Conversely, modern language is reflected in the speech and thoughts of the character 'Rose' and the urban setting of Dubai, characterized by technical vocabulary, shorter sentences, present tense verbs, and a direct narrative style, thereby mirroring the challenges of innovation, individualism, and social change. The findings indicate that through this linguistic duality, the author establishes a conflict between tradition—manifested in family customs and fixed gender roles—and modernity—represented by educational aspirations, contemporary appearance, and individual creativity. This confrontation highlights not only a conceptual contradiction but also the inherent tension within Dubai's transitional society. Ultimately, the research emphasizes that Van Leeuwen's theory serves as an effective analytical tool for deciphering the ideological layers embedded in literary discourse, demonstrating that language in Al Kamali's novel functions not just as a narrative medium but as a site of conflict and dialogue between tradition and modernity.

Keywords: Tradition and Modernity, Discourse Analysis, Van Leeuwen, Reem Al Kamali, *Yomiat Roz*.

1. Corresponding Author. Email: t-zinivand56@yahoo.com



زبان و ادبیات عربی، دوره هفدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۱) تابستان ۱۴۰۴، صص: ۸۲-۹۹

بررسی تضاد سنت و مدرنیته بر اساس بازنمایی‌های زبانی با استفاده از نظریه «ون لیوون» در رمان «یومیات روز» اثر «ریم الکمالی»



(پژوهشی)



کبری رحمتی ^{ID} (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)
تورج زینی وند ^{ID} (استاد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)
مریم رحمتی ترکاشوند ^{ID} (استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

Doi:10.22067/jall.2026.94991.1574

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل تقابل سنت و مدرنیته در رمان «یومیات روز» اثر ریم الکمالی، بر اساس نظریه بازنمایی زبانی ون لیوون انجام شده است. چارچوب نظری پژوهش، رویکرد ون لیوون را به کار می‌گیرد تا نشان دهد چگونه انتخاب‌های زبانی (واژگان، دستور، سبک و ایدئولوژی) به عنوان ابزار بازنمایی این تقابل عمل می‌کنند. تحلیل متن رمان نشان می‌دهد که زبان سنت از طریق واژگان توصیفی، جملات طولانی، افعال گذشته و اصطلاحات کهن (به ویژه در سخنان شخصیت مادر بزرگ) بازنمایی می‌شود و حس نوستالژی، تعلق و احترام به میراث فرهنگی را برمی‌انگیزد. در مقابل، زبان مدرن در گفتار و اندیشه شخصیت «روز» و فضای شهری دبی، با واژگان فنی، جملات کوتاه‌تر، افعال حال و سبک روایی مستقیم نمود می‌یابد و چالش‌های نوآوری، فردگرایی و تحول اجتماعی را منعکس می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که نویسنده با به کارگیری این دوگانگی زبانی، میدان نبردی میان سنت (تجسم یافته در آداب خانوادگی و نقش‌های جنسیتی ثابت) و مدرنیته (نموده در جاه طلبی‌های آموزشی، ظاهر مدرن و خلاقیت فردی) خلق کرده است. این تقابل نه تنها تضاد مفهومی، بلکه تنش موجود در جامعه در حال گذار دبی را آشکار می‌سازد. در نهایت، پژوهش تأکید می‌کند که نظریه ون لیوون ابزار تحلیلی کارآمدی برای رمزگشایی لایه‌های ایدئولوژیک نهفته در گفتمان ادبی فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که زبان در رمان الکمالی صرفاً وسیله روایت نیست، بلکه خود عرصه‌ای برای نزاع و گفت‌وگوی میان سنت و نوگرایی است.

کلیدواژه‌ها: سنت و مدرنیته، تحلیل گفتمان، ون لیوون، ریم الکمالی، یومیات روز.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسأله

در مطالعات ادبی معاصر، تحلیل گفتمان به عنوان رویکردی میان‌رشته‌ای، امکان بررسی لایه‌های معنایی، ایدئولوژیک و اجتماعی متون ادبی را فراتر از سطح توصیف زبانی فراهم می‌سازد. این رویکرد بر پیوند تنگاتنگ زبان با قدرت، ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی تأکید دارد و متن ادبی را محصولی گفتمانی می‌داند که در بستر شرایط تاریخی و اجتماعی خاصی شکل گرفته است. از این منظر، تحلیل گفتمان صرفاً به توصیف عناصر زبانی بسنده نمی‌کند، بلکه می‌کوشد چرایی تولید متن و کارکردهای اجتماعی آن را تبیین کند و دامنه تحلیل را از سطح خرد متن به سطح کلان جامعه و تاریخ گسترش دهد (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۱ و پاینده، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

در میان نظریه‌های تحلیل گفتمان، نظریه بازنمایی کنشگران اجتماعی ون لیوون جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا تمرکز اصلی آن بر چگونگی بازنمایی، شمول یا محرومیت کنشگران اجتماعی در متن است. این نظریه نشان می‌دهد که حذف یا برجسته‌سازی کنشگران، انتساب نقش‌ها، شیوه‌های شخصیت‌پردازی و فردزدایی، همگی سازوکارهایی زبانی‌اند که از طریق آن‌ها معنا و ایدئولوژی در گفتمان شکل می‌گیرد. چنین رویکردی به‌ویژه در تحلیل متون ادبی و روایی برآمده از بسترهای اجتماعی و فرهنگی پیچیده اهمیت می‌یابد؛ جایی که بسیاری از مفاهیم و کنشگران به صورت ضمنی، نمادین یا غیرمستقیم بازنمایی می‌شوند (مفتاح، ۱۹۹۰: ۱۵۳ و فضل، ۱۳۷۱: ۶۵).

«تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه با تکیه بر چارچوب ون لیوون (۲۰۰۸)، ابزاری کارآمد برای کشف سازوکارهای زبانی‌ای است که ایدئولوژی‌های مسلط را بازتولید یا به چالش می‌کشند. در این راستا، فرکلاف (۱۳۸۰ و ۱۳۸۴) بر آن است که گفتمان‌ها نه تنها بازنمایی واقعیت، بلکه ساختن واقعیت‌های اجتماعی هستند و از این رو بررسی تقابل گفتمان‌ها در متون ادبی می‌تواند لایه‌های پنهان کشمکش‌های هویتی و فرهنگی را آشکار کند» (فرکلاف، ۱۳۸۰: ۲۵ و همان: ۱۳۸۴: ۸۹).

رمان «یومیات روز» اثر ریم الکمالی از جمله آثار شاخص ادبیات معاصر عربی است که در بستر تحولات شتابان اجتماعی دبی، تقابل سنت و مدرنیته را بازنمایی می‌کند. این تقابل نه تنها در سطح درون‌مایه، بلکه در لایه‌های زبانی، شیوه روایت و نحوه بازنمایی شخصیت‌ها حضور دارد و زبان در آن به عرصه‌ای برای بازتولید یا به چالش کشیدن ارزش‌های سنتی و مدرن تبدیل می‌شود. با وجود اهمیت این رمان، پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون آن عمدتاً به تحلیل‌های محتوایی یا سبکی محدود مانده و بررسی نظام‌مند چگونگی بازنمایی زبانی این تقابل، به‌ویژه بر اساس چارچوب نظری مشخصی چون نظریه ون لیوون، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

از این رو، پرداختن به رمان «یومیات روز» از منظر بازنمایی کنشگران اجتماعی، امکان آشکارسازی سازوکارهای گفتمانی‌ای را فراهم می‌کند که از طریق آن‌ها مفاهیم مرتبط با سنت و مدرنیته در متن شکل می‌گیرند و معنا می‌یابند. این پژوهش با تکیه بر نظریه ون لیوون می‌کوشد نشان دهد که چگونه انتخاب‌های زبانی نویسنده در بازنمایی شخصیت‌ها، نقش‌ها و روابط اجتماعی، بازتاب‌دهنده تنش‌های فرهنگی و هویتی جامعه‌ای در حال گذار است و زبان، خود به مثابه میدان تقابل میان سنت و نوگرایی عمل می‌کند.

۲-۱. پرسش‌های بنیادین

مهم‌ترین پرسش‌هایی که این پژوهش به دنبال پاسخ آنهاست به شرح زیر است:

۱. چگونه بازنمایی‌های زبانی سنت و مدرنیته در رمان «یومیات روز» اثر «ریم الکمالی» بر اساس نظریه «ون لیوون» خودنمایی می‌کند؟
۲. از طریق تحلیل بازنمایی‌های زبانی، تضادها و تقابل‌های میان سنت و مدرنیته با استفاده از نظریه «ون لیوون» چگونه در رمان «یومیات روز» قابل شناسایی است؟
۳. نظریه «ون لیوون» به چه طریقی می‌تواند به درک عمیق‌تر تضاد سنت و مدرنیته در رمان «یومیات روز» در تحلیل بازنمایی‌های زبانی کمک کند؟

۲-۲. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی خواهد بود. ابتدا با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و استفاده از فیش‌برداری، داده‌های لازم از رمان «یومیات روز» جمع‌آوری می‌شود. در ادامه، بازنمایی‌های زبانی مربوط به تضاد سنت و مدرنیته در رمان، شناسایی و توصیف خواهند شد. سپس، با بهره‌گیری از نظریه «ون لیوون» در تحلیل گفتمان، این بازنمایی‌ها به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا چگونگی بازتاب این تضاد در ساختارها و انتخاب‌های زبانی رمان، تبیین شود.

۳-۱. پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین مرتبط با این پژوهش را می‌توان در دو حوزه کلی دسته‌بندی کرد: پژوهش‌های کاربردی نظریه ون لیوون در تحلیل متون عربی، و مطالعات انجام‌شده درباره رمان «یومیات روز» اثر ریم الکمالی. در ادامه، این آثار با نگاهی انتقادی مرور می‌شوند تا هم نقاط قوت و ضعف آنها مشخص شود و هم خلأ پژوهشی که پژوهش حاضر درصدد پر کردن آن است، آشکار گردد.

پژوهش‌های کاربردی نظریه ون لیوون: مطالعه مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی رمان القندس محمد حسن علوان بر پایه نظریه گفتمان‌مدار ون لیوون» (ملک امیدی چهارطاق و صدرالدینی، ۱۴۰۲) نشان می‌دهد که این چارچوب نظری برای تحلیل سازوکارهای ایدئولوژیک در رمان معاصر عربی کارآمد است. نویسندگان این مقاله به‌درستی نشان داده‌اند که چگونه علوان از مؤلفه‌هایی مانند «حذف» و «نام‌دهی» برای انتقاد از فضای استبدادی جامعه سعودی بهره برده است. با این حال، تمرکز این پژوهش صرفاً بر یک مؤلفه (حذف) و در یک رمان خاص بوده و تحلیل جامعی از تقابل گفتمان‌های کلان‌تر (مانند سنت و مدرنیته) ارائه نداده است. این محدودیت دامنه تحلیل، امکان تعمیم‌دهی یافته‌ها به پدیده‌های پیچیده‌تر فرهنگی را کاهش می‌دهد.

همچنین، پایان‌نامه «بازنمود میان فرهنگی نقش‌های جنسیتی... بر مبنای تحلیل انتقادی گفتمان» (عبدالله، ۱۳۹۹) اگرچه از منظری انتقادی به بازنمایی جنسیت پرداخته، اما چارچوب تحلیلی آن صرفاً بر نقش‌های جنسیتی متمرکز است و سازوکارهای زبانی بازنمایی گفتمان‌های فرهنگی متضاد را در سطح کلان‌تر بررسی نکرده است. این کاستی در

گسترده‌گی چارچوب نظری، نیاز به پژوهشی را نشان می‌دهد که از ابزارهای نظریه ون لیوون برای تحلیل تقابل گفتمان‌های فرهنگی گسترده‌تر استفاده کند.

در همین راستا، باقری، نورسیده و ضیغمی (۱۴۰۳) با تکیه بر نظریه استلزام تخطی گرایس، به تحلیل مقاصد ضمنی در هشت رساله سیاسی نهج البلاغه پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که نقض اصول همکاری زبانی، ابزاری برای انتقال معانی ایدئولوژیک و اقتناعی در این متن دینی است. با وجود ارزشمندی این پژوهش، تمرکز آن بر متن دینی کلاسیک و سازوکارهای ضمنی معناست و به بازنمایی گفتمانی تقابل‌های اجتماعی-فرهنگی در روایت ادبی معاصر نمی‌پردازد.

همچنین نوازنی و رسول‌نیا (۱۴۰۲) با بهره‌گیری از سبک‌شناسی انتقادی لسلی جفریز، تقابل‌ها و ترادف‌های ایدئولوژیک را در قصیده «إرادة الحياة» ابوالقاسم الشابی بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که ساختارهای زبانی متن چگونه در شکل‌دهی جهان‌بینی و مفاهیم گفتمانی نقش‌آفرین‌اند. با این حال، این پژوهش بر شعر متمرکز است و از مدلی که به‌طور خاص به سازوکارهای مشروعیت‌بخشی اجتماعی می‌پردازد، استفاده نکرده است.

مطالعات مربوط به رمان «یومیات روز» و نویسنده آن: در حوزه مطالعات مربوط به ریم الکمالی و اثر شاخص او، می‌توان به مقاله توصیفی «الکتابه ریم الکمالی، قاموس اللهجة الإماراتية» (نویسنده نامشخص، ۲۰۲۵) اشاره کرد که صرفاً به توانایی زبانی الکمالی در استفاده از گویش اماراتی می‌پردازد. این نوشتار فاقد هرگونه تحلیل علمی، نظریه‌پردازی یا بررسی ابعاد گفتمانی اثر است و در حد یک یادداشت روزنامه‌ای باقی مانده است. همین رویکرد توصیفی و غیرتحلیلی در مقاله دیگری با عنوان «ریم الکمالی رواية من الف ليلة وليلة» (منتشر شده در روزنامه خلیج، ۱۴۰۳) نیز دیده می‌شود که بیشتر جنبه تبلیغاتی و معرفی‌گونه دارد.

از سوی دیگر، پروپوزال «بررسی زبان زنانه در رمان یومیات روز اثر ریم الکمالی» (فیضی، ۱۴۰۳) اگرچه موضوع مهمی را نشانه رفته، اما هنوز در مرحله پیشنهاد است و یافته‌ای ارائه نداده است. تمرکز پیشنهادی مذکور بر «زبان زنانه» است، در حالی که تقابل ساختاری سنت و مدرنیته به عنوان دو گفتمان مسلط در بافت دبی معاصر، در کانون توجه قرار نگرفته است.

خلا پژوهشی و ضرورت پژوهش حاضر

با بررسی انتقادی آثار پیشین، خلأهای اصلی زیر آشکار می‌شود:

۱. عدم تحلیل نظام‌مند تقابل گفتمان سنت و مدرنیته در رمان «یومیات روز» با استفاده از چارچوبی جامع مانند نظریه ون لیوون.

۲. فقدان مطالعه عمیق در زمینه چگونگی بازنمایی این تقابل از طریق انتخاب‌های زبانی خاص (واژگان، استعاره‌ها، زمان افعال، نحو) در یک اثر ادبی معاصر عربی.

۳. نبود پژوهشی که نشان دهد چگونه زبان در این رمان، به عرصه‌ای برای نبرد گفتمانی بین ارزش‌های قدیم و جدید تبدیل شده است.

ضرورت انجام پژوهش حاضر دقیقاً از پر کردن این خلأها ناشی می‌شود. این پژوهش با تلفیق نگاه گفتمان‌مدار ون لیوون با تحلیل رمانی که خود آینه تحولات سریع فرهنگی است، در پی آن است تا نشان دهد ادبیات چگونه می‌تواند بازتاب‌دهنده پیچیدگی‌های اجتماعی باشد. از جنبه نظری، این مطالعه کاربرد چارچوب ون لیوون را در بافت

غیرغربی می‌آزماید. از جنبه متنی، خوانشی نو و گفتمان‌محور از یک رمان مهم معاصر ارائه می‌دهد. از جنبه اجتماعی-فرهنگی، به درک بهتر تنش‌های هویتی در جامعه‌ای در حال گذار (مانند دبی) کمک می‌کند. بنابراین، پژوهش حاضر نه تنها خلأ موجود در ادبیات موضوع را پر می‌کند، بلکه امتیاز و جایگاه خود را در ارائه تحلیلی جامع، نظریه‌بنیاد و متمرکز بر سازوکارهای زبانیِ تقابل گفتمانی تعریف می‌نماید.

۲. چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی بر پایه مدل ون لیوون (۲۰۰۸)

مدل گفتمان‌محور ون لیوون (۲۰۰۸) یکی از جدیدترین نظریه‌های تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) است که بر اساس گسترش و ادغام نظریه‌های سایر جامعه‌شناسان بنا شده است. هدف این مدل نشان دادن تأثیر گفتمان در شکل‌دهی به واقعیت اجتماعی، تغییر مظاهر آن و حفظ قدرت در جامعه است. این نظریه پرداز در مدل خود، یک سیستم شبکه‌ای را ارائه می‌دهد که در آن بازیگران اجتماعی بازنمایی می‌شوند، جایی که تعامل احتمالی بین اشکال مختلف زبانی و جامعه‌شناختی زبان و ویژگی‌های گفتمانی آغاز می‌شود. (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۶ و جابری، ۱۳۷۰: ۱۵). در واقع، با تجزیه و تحلیل این تعامل، می‌توان به جوهره و مفاهیم اثر دسترسی پیدا کرد. ون لیوون دامنه CDA را از زبان‌شناسی به جامعه‌شناسی گسترش داد و شاخص‌های اجتماعی-معنایی را به عنوان معیارهایی برای تحلیل برگزید. او این را به رابطه مستقیم و قوی بین شاخص‌های زبانی و «نقش‌های» آنها نسبت می‌دهد. (پهلوان نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹). وی همچنین معتقد است که «مطالعه اجتماعی-معنایی گفتمان، ابزاری قدرتمند برای تحلیل متنی است که فراتر از مطالعه صرف مؤلفه‌های زبانی می‌رود» (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۴). بر اساس این فرض، مؤلفه‌های اجتماعی-معنایی مدل خود را معرفی می‌کنند و افراد درگیر در هر رویکردی را به عنوان «کنشگران اجتماعی» تعریف می‌کنند. ون لیوون بر اهمیت تأثیر گفتمان در شکل‌دهی به واقعیت اجتماعی، تغییر مظاهر آن و حفظ قدرت اجتماعی و جامعه‌ای تأکید می‌کند و از رویکرد «اجتماعی-معنایی» برای تحلیل متنی خود استفاده می‌کند که دلالت بر این دارد که کنشگران اجتماعی می‌توانند بازنمایی شوند او یک «سیستم شبکه‌ای» ارائه می‌دهد که در آن کنشگران اجتماعی بازنمایی می‌شوند و جایی است که تعامل احتمالی بین اشکال مختلف زبانی و زبان‌شناسی اجتماعی و ویژگی‌های گفتمانی آغاز می‌شود. از دیدگاه او، نه تنها کنشگران اجتماعی بازنمایی می‌شوند، بلکه کنش‌های اجتماعی نیز می‌توانند در این شبکه بازنمایی شوند. او به دنبال پاسخ به این سؤال است: «روش‌های مختلف بازنمایی کنش‌های اجتماعی در گفتمان چیست؟» (شرشار، ۲۰۰۶: ۱۰۵).

مدل تحلیل گفتمان انتقادی ون لیوون (۲۰۰۸) یکی از جامع‌ترین مدل‌های ارائه شده در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی محسوب می‌شود (نورگوا، ۱۳۹۴: ۵۹ و ون دایک، ۱۳۸۰: ۵۳). این مدل شامل مجموعه‌ای از مؤلفه‌های گفتمانی اجتماعی-معنایی است. در این مدل تحلیلی ساختارهای گفتمانی و مؤلفه‌های اجتماعی-معنایی، از منظر پنهان‌کاری و پدیداری در تصویرسازی شخصیت‌ها یا کنشگران اجتماعی، به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: مؤلفه‌های مبتنی بر پنهان‌کاری و مؤلفه‌های مبتنی بر پدیداری. این مؤلفه‌ها بر اساس نیت نویسنده و دیدگاه‌های فکری و اجتماعی برجسته می‌شوند (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۲۳؛ همچنین ر. ک به: صاحبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

برای بررسی تضاد سنت و مدرنیته در رمان با نظریه ون لیوون، بازنمایی زبانی شخصیت‌ها و کنش‌های مرتبط با این

دو مفهوم را مورد بررسی قرار می‌دهد. مشخص می‌شود که چگونه پوشیدگی یا صراحت زبانی در توصیف شخصیت‌ها و کنش‌ها دیدگاه نویسنده را نشان می‌دهد. با تحلیل زبان به کار رفته، دیدگاه نویسنده نسبت به تضاد سنت و مدرنیته دریافت می‌شود، این تحلیل به ما کمک می‌کند تا دریابیم که نویسنده چگونه از زبان برای بازنمایی تضاد سنت و مدرنیته و بیان دیدگاه خود استفاده می‌کند.

۳. خلاصه رمان «یومیات روز»

رمان یومیات روز که در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط ریم الکمالی نوشته شده است، حول محور شخصیت «روز»، دختر یتیمی که به نویسندگی و دانش علاقه‌مند است، شکل می‌گیرد. مرگ مادر، او را از ادامه تحصیل دانشگاهی در خارج از کشور باز می‌دارد و زندگی‌اش با نقل مکان از خانه دایی‌هایش در شارجه به خانه پدر در محله شندغه دبی دگرگون می‌شود. در این فضای جدید، آداب و رسوم حاکم، آزادی‌های فردی «روز» را محدود کرده و او را از فرصت‌های تحصیلی، انتخاب پوشش و حتی انجام امور روزمره محروم می‌سازد.

«روز» خشم فروخورده و اعتراض خاموش خود را در قالب یادداشت‌هایی ثبت می‌کند که آن‌ها را در جعبه‌ای زیر تخت پنهان می‌سازد. او با بازآفرینی خاطرات، تجربه‌های زیسته را با تخیل درهم می‌آمیزد و روایت‌هایی واقع‌گرایانه از شخصیت‌هایی چون سعید کافر، تاجران مروارید و مرد تک‌چشمی که به او دل‌بسته است، می‌نویسد. نکته‌ای تأمل‌برانگیز در این روند آن است که وی پس از نگارش این خاطرات، آن‌ها را به رودخانه محل زندگی‌اش می‌افکند و نابود می‌کند (الکمالی، ۲۰۲۱).

این رمان روایت‌گر کشمکش درونی دختری است که میان سنت و مدرنیته، انزوا و تجمل، اطاعت و شورش گرفتار شده است. در پایان، «روز» تصمیم می‌گیرد از نابود کردن نوشته‌هایش دست بردارد و نوشتن را ادامه دهد؛ تصمیمی که نمادی از مقاومت و تثبیت هویت فردی در برابر فشارهای اجتماعی به شمار می‌آید (همان).

۴. پردازش تحلیلی موضوع

۴-۱. بازنمایی گفتمانی سنت در زبان شخصیت‌ها و روایت رمان «یومیات روز» بر اساس مدل ون‌لیون

در رمان یومیات روز، زبان سنت به‌عنوان یک گفتمان مسلط اجتماعی بازنمایی می‌شود که کارکرد اصلی آن حفظ نظم موجود و مهار کنش فردی، به‌ویژه کنش زنانه، است. بر اساس مدل ون‌لیون، این گفتمان از طریق سازوکارهایی چون حذف عاملیت فردی، ارجاع به هنجارهای جمعی و طبیعی‌سازی محدودیت‌ها عمل می‌کند (ون لیون، ۲۰۰۸: ۹۲). در گفت‌وگوهای شخصیت‌های مرد و اعضای خانواده، تصمیم‌ها و ممنوعیت‌ها غالباً به فاعل انسانی مشخص نسبت داده نمی‌شوند، بلکه در قالب گزاره‌هایی کلی و غیرشخصی بیان می‌گردند. برای نمونه، در صحنه‌ای که «روز» با مخالفت خانواده برای ادامه تحصیل و نوشتن مواجه می‌شود، یکی از شخصیت‌ها می‌گوید: «هكذا جرت العادة، ولا يجوز الخروج عما تعارف عليه أهل البيت» (الکمالی، ۲۰۲۱: ۶۵). (ترجمه) «اینگونه مرسوم بوده است و عدول از آنچه اهل بیت بر آن اجماع کرده‌اند، جایز نیست».

در این عبارت، استفاده از ترکیب‌هایی چون «جرت العادة» و «تعارف عليه أهل البيت» نشان‌دهنده ارجاع به عرف

به‌مثابه مرجعی فراشخصی است که امکان پرسش یا مخالفت را از میان می‌برد. از منظر ون‌لیوون، این شیوه بیان، نمونه‌ای از غیرشخصی‌سازی سنت و پوشاندن عامل واقعی قدرت است؛ به‌گونه‌ای که سنت نه به‌عنوان انتخاب انسانی، بلکه به‌مثابه امری طبیعی و تغییرناپذیر بازنمایی می‌شود. بدین ترتیب، زبان سنت در رمان «یومیات روز» ابزاری گفتمانی برای مشروعیت‌بخشی به محدودیت‌های اجتماعی و بازتولید اطاعت است و در تقابل آشکار با زبان خاطره‌نویسی و نوشتار «روز» قرار می‌گیرد که حامل صدای فردیت و گرایش به مدرنیته است (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۵۶). زبان سنت به وضوح از طریق سخنان و اعمال مادر بزرگ و شخصیت اصلی (روز) نشان داده شده است. که در این بخش از پژوهش عناصر اصلی این بازنمایی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۴-۱-۱. تأکید بر باورهای خرافی و سنتی

توصیه مادر بزرگ درباره صاف کردن کفش‌ها پیش از خواب، نمونه‌ای بارز از مشروعیت‌بخشی گفتمانی سنت است: «قالت الجدة: عَلَيَّ نَعْلِيكَ قَبْلَ النُّومِ، فَإِنَّ وَجْهَ اللَّهِ فِي السَّمَاءِ، وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُرَى بَاطِنُ النَّعْلِ إِلَى الْأَعْلَى» (الکمالی، ۲۰۲۱: ۲۴).

(ترجمه) «مادر بزرگ می‌گفت: قبل از خواب کفش‌هایت را مرتب کن، زیرا وجه خدا در آسمان است و جایز نیست که کف کفش به سمت بالا دیده شود»

در این گفتار، کنشی روزمره با مفهومی قدسی پیوند خورده و قاعده‌ای عرفی در کسوت یک الزام دینی و غیرقابل پرسش ظاهر شده است. در چارچوب ون‌لیوون، این الگو ذیل دو سازوکار قرار می‌گیرد: مشروعیت‌بخشی مبتنی بر اقتدار سنتی و طبیعی‌سازی؛ به این معنا که نظم فرهنگی به‌عنوان جزئی از نظم الهی بازنمایی می‌شود. بدین ترتیب، تخطی از آن نه بی‌نظمی اجتماعی بلکه گناه تلقی می‌گردد و سنت در مقام حقیقتی مقدس و مطلق تثبیت می‌شود.

۴-۱-۲. تأکید بر نقش و جایگاه سنتی زن

در گفتار دیگر، مادر بزرگ روز را از شیوه فرق باز کردن مو برحذر می‌دارد: «قالت الجدة: لَا تَفْرِقِي شَعْرَكَ مِنَ الْوَسْطِ، أَرْفَعِيه قَلِيلًا إِلَى الْجِهَةِ الْيَمْنَى حَتَّى يَكُونَ سِتْرُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (الکمالی، ۲۰۲۱: ۳۷). (ترجمه) «مادر بزرگ گفت: موهایت را از وسط باز نکن، کمی آن را به سمت راست بلند کن تا خدا در روز قیامت تو را ببوشاند».

در این بیان، بدن زن به عرصه‌ای برای نظم اخلاقی و دینی تبدیل می‌شود. پوشش و آرایش زنانه از طریق مشروعیت بخشی اخلاقی - دینی معنا می‌یابد و با پیوند خوردن به «ستر الهی» به قاعده‌ای الزام‌آور بدل می‌گردد. به تعبیر ون‌لیوون، این گفتمان با فعال‌سازی نقش زن در بازتولید ارزش‌های سنتی و در عین حال انفعال‌سازی عاملیت فردی او، انتخاب ظاهری را نشانه‌ای از ایمان و اطاعت معرفی می‌کند و به‌این ترتیب، سازوکار کنترل بدن زن را مشروع جلوه می‌دهد.

۴-۱-۳. ارتباط با گذشته و تکیه بر خاطرات

در این بخش از روایت، مادر بزرگ با بازگویی خاطره تولد «روز» و پیوند دادن آن با رخدادهای طبیعی معنادار، مانند

بارش تگرگ، گذشته را به عنوان منبع مشروع معنا و هویت فعال می‌سازد: «ما إن هوی الرأس من الرحم حتی هوی البرک فی الفناء. کنت فرحةً، غمرت الشندغة سعادة» (الکمالی، ۲۰۲۱: ۲۴).

(ترجمه) «به محض اینکه سر از رحم افتاد، تگرگ به حیاط بارید. تو شادی بودی، شادی، شندغه را فرا گرفت». این شیوه روایت، در چارچوب مدل ون لیوون، نمونه‌ای از مشروعیت‌بخشی اسطوره‌ای/روایی است؛ بدین معنا که رویدادهای زیستی فردی از طریق پیوند با نشانه‌های طبیعت و حافظه جمعی، معنایی فراتر از تجربه شخصی می‌یابند و به بخشی از روایت سنتی خانواده تبدیل می‌شوند. در این گفتمان، گذشته نه صرفاً زمان سپری‌شده، بلکه مرجعی معتبر برای تفسیر حال و جهت‌دهی به آینده است. بدین ترتیب، زبان مادر بزرگ با احضار خاطره و نشانه‌های نمادین، نوعی تداوم تاریخی و ارزشی را بازتولید می‌کند که در تقابل با نگاه «روز» به حال و آینده، به عنوان نمود مدرنیته، قرار می‌گیرد و نقش سنت را در تثبیت هویت و نظم خانوادگی برجسته می‌سازد.

۴-۲. نشانه‌های زبانی خاص

در رمان یومیات روز، نشانه‌های زبانی خاص به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که سنت را به عنوان مرجعی مشروع و فرادست بازنمایی کنند. برای نمونه، استفاده از تعبیر «بأمرک یا جدّتی» (الکمالی، ۲۰۲۱: ۴۴) (ترجمه) «طبق دستور تو مادر بزرگم» نه صرفاً نشانه‌ای از احترام فردی، بلکه نمونه‌ای از مشروعیت‌بخشی مبتنی بر اقتدار سنتی در مدل ون لیوون است؛ جایی که کنش «اطاعت» از طریق نسبت دادن تصمیم به بزرگ خاندان، طبیعی و بدیهی جلوه داده می‌شود. در این ساختار، کنشگر جوان (روز) در موقعیت انفعال گفتمانی قرار می‌گیرد و عاملیت او در تصمیم‌گیری حذف یا تضعیف می‌شود، در حالی که قدرت تصمیم‌گیری به نسل پیشین واگذار می‌گردد. همچنین، توصیف تولد «روز» با زبانی شاعرانه و کهن، گذشته را به عنوان منبع معنا و ارزش برجسته می‌سازد و با فعال‌سازی حافظه جمعی، پیوند عاطفی با سنت را تقویت می‌کند. بدین ترتیب، انتخاب واژگان، ساختار نحوی و سبک روایی، در این بخش نه تنها حامل معنا، بلکه سازوکاری گفتمانی برای بازتولید نظم سنتی و تثبیت سلسله‌مراتب نسلی هستند.

به طور خلاصه، بازنمایی زبان سنت در این متن از طریق تأکید بر باورهای خرافی، نقش‌های سنتی زن، ارزش‌گذاری خواب‌ها و ارتباط با گذشته صورت می‌گیرد. این عناصر به خوبی تضاد بین دیدگاه روز (که نمایانگر مدرنیته است) و مادر بزرگش (که نمایانگر سنت است) را نشان می‌دهند.

نظریه ون لیوون بر این نکته تأکید می‌کند که چگونه انتخاب‌های زبانی، مانند واژگان، دستور زبان و سبک، می‌توانند ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای خاصی را تقویت یا تضعیف کنند. (غلامعلی زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۹). در اینجا، واژگان و اصطلاحات و ساختارها و سبک و ایدئولوژی نوشتار در نشان دادن زبان سنت در این رمان نشان داده شده است.

۴-۲-۱. واژگان و اصطلاحات

استفاده از واژگان مرتبط با سنت و تاریخ: نویسنده از کلماتی مانند «خور»، «لیوان»، «الأهله»، «الزاث»، «المعتق الصافی» و «الخور الداکن» (الکمالی، ۲۰۲۱: ۴۸-۴۷) استفاده می‌کند. این واژگان به گذشته، فرهنگ و هویت سنتی دبی

اشاره دارند و حس نوستالژی و تعلق به سنت را القا می‌کنند.

اصطلاحات خاص: اصطلاحات متعددی که در این رمان به کار رفته است مانند «عطر تورات» یا «شراب» و یا هر مسئله‌ی دیگری در حقیقت نشان دهنده‌ی سنت است که در این رمان موج می‌زند. این اصطلاحات ارزش میراث را در زبان شعری و ادبی برجسته می‌کند.

۴-۲-۲. نحو و ساختار جمله

استفاده از جملات توصیفی و طولانی: نویسنده از جملات طولانی و توصیفی برای ترسیم تصویری غنی و زنده از صحنه‌ها و مکان‌ها استفاده می‌کند. این نوع جملات بیشتر در متون ادبی و سنتی رایج است و با زبان مدرن و سریع امروزی متفاوت است.

استفاده از افعال ماضی: افعال ماضی مانند «أخذ یودی»، «تم السماح»، «امتد»، «عبرون»، «یغادرون»، «جاء»، «تنزه» (همان: ۴۸) حس گذشته‌نگری و تمرکز بر رویدادهای تاریخی را القا می‌کنند.

۴-۲-۳. سبک نوشتار

سبک ادبی و شاعرانه: نویسنده‌ی رمان از زبان ادبی و شاعرانه استفاده می‌کند و علاقه نویسنده به زیبایی و ارزش زبان را نشان می‌دهد. این سبک با زبان روزمره و محاوره‌ای متفاوت است و بر اهمیت زبان ادبی و نقش آن در انتقال میراث تأکید دارد.

تضاد بین سنت و مدرنیته: نویسنده با اشاره به «الخمیر فی دبی» و «المستثمر سلیل جبال الشام» (همان: ۴۷) تضادی بین سنت و مدرنیته ایجاد می‌کند. از یک سو، سنت‌ها و محدودیت‌های مربوط به مصرف مشروبات الکلی وجود دارد و از سوی دیگر، تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری و مدرنیزه کردن فضاها دیده می‌شود.

۴-۲-۴. ایدئولوژی و بازنمایی قدرت

بازنمایی جامعه سنتی دبی: نویسنده جامعه سنتی دبی را به عنوان جامعه‌ای به تصویر می‌کشد که در عین پابندی به سنت‌ها، با تغییرات مدرن نیز مواجه است. استفاده از واژه «الخمیر الوطنية» نشان‌دهنده این است که حتی ممنوعیت‌ها نیز نمی‌توانند سنت‌ها و رفتارهای اجتماعی را به طور کامل از بین ببرند.

بازنمایی اقتدار سنت: با وجود تلاش‌های مدرنیزاسیون، سنت همچنان قدرت خود را حفظ می‌کند. استفاده‌ی مخفیانه‌ی نویسنده‌ی رمان بر اساس نظریه ون لیوون، از واژگان، دستور زبان، سبک نوشتاری و تضادهای موجود برای بازنمایی زبان سنت به گونه‌ای است که ارزش و اهمیت آن را نشان دهد و تضاد آن با مدرنیته را برجسته کند. این بازنمایی به خواننده کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های جامعه‌ای که در حال گذار بین سنت و مدرنیته است، به دست آورد. نویسنده از طریق این انتخاب‌های زبانی، به سنت‌ها و میراث فرهنگی دبی ادای احترام می‌کند، در عین حال به چالش‌ها و تناقضات ناشی از تغییرات مدرن می‌پردازد.

۴-۳. بازنمایی زبان مدرنیته

طبق نظریه ون لیوون، بازنمایی زبانی مدرنیته به چگونگی استفاده از زبان برای به تصویر کشیدن ارزش‌ها و مفاهیم مرتبط با مدرنیته اشاره دارد. زبان هویت‌ها را تعریف می‌کند و اعمال و تجربیاتی را توصیف می‌کند که منعکس‌کننده پیشرفت، عقلانیت و فردگرایی هستند. (یورگنسن و لوفیز، ۱۳۸۹: ۲۰۵ و پرگوسن: ۱۳۸۳: ۵۹). در رمان «یومیات روز» اثر ریم الکمالی، این ایده از طریق استفاده متضاد از زبان بین شخصیت‌های سنتی و مدرن بازنمایی می‌شود. شخصیت‌های سنتی به زبانی سنتی صحبت می‌کنند که ارزش‌های باستانی را منتقل می‌کند، در حالی که شخصیت‌های مدرن خود را با زبانی مدرن‌تر و نوآورانه‌تر بیان می‌کنند. این تعامل زبان، سنت و مدرنیته، تنش‌ها و تضادهای اجتماعی را منعکس می‌کند و درک خواننده را از تضاد این پدیده‌ها افزایش می‌دهد.

گاهی نویسنده از زبان به عنوان ابزاری برای تعالی فردی و ابراز وجود استفاده می‌کند: مثلاً نویسنده خود را در بیان، انشا و بحث، «متفوقه لغویاً» (الکمالی، ۲۰۲۱: ۱۰) توصیف می‌کند و دیگران را با سخنرانی‌های «رصینه» (همان: ۸) و خوشامدگویی که ماهرانه برای هر بازدیدکننده می‌سازد، تحت تأثیر قرار می‌دهد. این استفاده متمایز از زبان، منعکس‌کننده روحیه فردگرایی و تمایز است که از ویژگی‌های مدرنیته است، جایی که موفقیت و شناخت با توانایی‌های شخصی و دستاوردهای فکری سنجیده می‌شود. (ون دایک، ۱۳۸۲: ۲۱۵).

تضاد بین مدرنیته و سنت از طریق زبان و ظاهر: تقابل سنت و مدرنیته در زبان عمومی «روز» به وضوح دیده می‌شود: «حسم عمی تلك المسافه دون لائمه على تفوقی الأدبی، ولمح بعتب بعد رصده الانفتاح بهیئة الحریم، ومنهنّ أنا ابنه أخیه، روزه، مُعْرِضاً بملا بسی العصریة القصیره بنظرات الریبه المتعمّده، وبدهشه اللا یصحّ، بوصفی أنثی عربیة دبویة معلومه الأصل والفصل مخبوءة الجسد ... أو لأنّی مجهولُ الثغر، فلا یصحّ أن یرانی أتحدّث بلغه القومیّین العرب وهیئتهم الغازیة! کان الخوف ألاً أتزوج إن أكملت تعلیمی فی الخارج، فأنا صاحبه سلاله و ثروه، وقد عیا علیه أن یدعنی أرحل مع النهضة العربیة الغالبه بحداثتها، والتی باتت جملهً مُخجلهً لدى رجال العائله وأصحاب العادات التلیده. لم یرغب عمی بتوبیخی، فالإناث فی عائلات التجار عظیماتُ الشان، وذات الشان مآبها لأبیها وتقالید بیته، ما جعل عمی یصحبنی معه، وتخصّنی السیارة طوال الطریق الترابی بین الشارقة ودبی، ولیس لی سوی الصمت» (الکمالی، ۲۰۲۱: ۱۸).

(ترجمه) «عمویم این فاصله را بدون سرزنش من به خاطر برتری ادبی‌ام، برطرف کرد و پس از مشاهده‌ی گشاده‌دستی در حرمسرا، از جمله من، برادرزاده‌اش، رز، که لباس‌های کوتاه مدرنم را با نگاه‌های عمدی از سوءظن و با حیرت از آنچه درست نیست، به عنوان یک زن عرب با اصل و نسب و تبار شناخته‌شده که بدنش پنهان است، نشان می‌دادم... یا به این دلیل که من اصل و نسب ناشناخته‌ای دارم، بنابراین درست نیست که او ببیند من به زبان ملی‌گرایان عرب و ظاهر تهاجمی آنها صحبت می‌کنم، با سرزنش اشاره کرد! ترس این بود که اگر تحصیلاتم را در خارج از کشور به پایان برسانم، ازدواج نخواهم کرد، زیرا من صاحب اصل و نسب و ثروت هستم و او نمی‌توانست با غلبه‌ی رنسانس عربی با مدرنیته‌اش، که به عبارتی شرم‌آور در میان مردان خانواده و صاحبان آداب و رسوم باستانی تبدیل شده است، اجازه دهد من آنجا را ترک کنم». عمویم نمی‌خواست مرا سرزنش کند، زیرا زنان در خانواده‌های تاجر از اهمیت بالایی برخوردارند و این اهمیت به پدر و سنت‌های خانواده‌اش تعلق دارد، که باعث شد عمویم مرا با خود ببرد و ماشین در تمام طول جاده خاکی بین شارجه و دبی مرا تکان داد و من چیزی جز سکوت نداشتم».

در این بخش از داستان تضاد بین مدرنیته و سنت از طریق زبان و ظاهر به وضوح دیده می‌شود. عموی نویسنده، بی‌اعتمادی شدیدی نسبت به لباس‌های «مدرن و کوتاه» یا همان «العصرية القصيرة» دارد او و استفاده‌اش از «لغة قومین العرب» و ظاهرش ابراز می‌کند و او را «غازیه» و نامناسب برای یک دختر عرب «با اصل و نسب و تبار شناخته شده» می‌داند. این تناقض زبانی و بصری به وضوح تضاد بین ارزش‌های سنتی (که مستلزم حیا، بدن‌های پوشیده و پابندی به آداب و رسوم باستانی است) و مدرنیته (که در آزاد بودن اندیشه و افکار، لباس‌های مدرن و وابستگی ملی گسترده تجسم یافته است) را منعکس می‌کند.

امتناع از ادامه تحصیل به عنوان نمادی از رد مدرنیته: روز می‌خواهد ادامه تحصیل بدهد اما مادر بزرگ و عموی او مخالف این کار هستند در بخشی از رمان آمده است: «كان الخوف ألا أتزوج إن أكملت تعليمي في الخارج، فأنا صاحبة سلاله وثروة، وقد عيّنا عليه أن يدعني أرحل مع النهضة العربية الغالبة بمحادثتها، والتي باتت جملةً مُحجَّلةً لدى رجال العائلة وأصحاب العادات التليدة» (همان: ۱۹).

امتناع عموی «روز» از اجازه دادن به او برای تکمیل تحصیل در خارج از کشور، در رمان یومیات روز صرفاً یک مخالفت خانوادگی نیست، بلکه به عنوان کنشی گفتمانی در بازنمایی منفی مدرنیته عمل می‌کند. در این بخش، راوی تصریح می‌کند: «كان الخوف ألا أتزوج إن أكملت تعليمي في الخارج، ... وقد عيّنا عليه أن يدعني أرحل مع النهضة العربية الغالبة بمحادثتها» (الکمالی، ۲۰۲۱: ۱۹).

(ترجمه) «ترس از این بود که اگر تحصیلاتم را در خارج از کشور به پایان برسانم، ازدواج نکنم... و او مایل نبود که با وجود رنسانس عربی غالب و مدرنیته‌اش، اجازه دهد من آنجا را ترک کنم»

در این گزاره، آموزش و تحصیل در خارج از کشور نه به عنوان یک حق فردی، بلکه در پیوند با پیامدهای منفی اجتماعی همچون «عدم ازدواج» بازنمایی می‌شود. از منظر مدل ون لیوون، این شیوه بیان نمونه‌ای از مشروعیت بخشی اخلاقی است؛ بدین معنا که گفتمان سنتی با پیوند دادن مدرنیته به تهدید نظم خانوادگی، کنش منع کننده را موجه جلوه می‌دهد. همچنین، فاعل بازدارنده (عمو یا خانواده) در متن به صورت ضمنی و غیرمستقیم حضور دارد و تصمیم نهایی به «ترس» و «عرف» نسبت داده می‌شود؛ امری که به حذف عاملیت کنشگران انسانی و طبیعی سازی منع تحصیل می‌انجامد. بدین ترتیب، زبان سنت در این بخش، مدرنیته را به مثابه امری خطرناک و ناهنجار بازنمایی می‌کند و از طریق سازوکارهای گفتمانی، مقاومت در برابر تغییر را تثبیت می‌سازد.

تبدیل درد به خلاقیت زبانی: در رمان «یومیات روز» آمده است که روز در مقابل ممنوعیت‌های عمو و مادر بزرگ از پا نایستاد و درد خویش را جوهر قلمش کرد و نوشت و تسلیم نشد «نظرتُ إلى الأشياء حولي كغريبة أتت من بعيد لتكتشف آفاق المكان بغية تأليف المستحيل، حينها أقسمتُ لظلي الغائب ألا أبكيه مطلقاً، أن أبذل دمع قلبي إلى حبر أخطه في يومياتي السريّة، وأتحوّل في ظاهري إلى خرساء، لأمنحني صفة الرزانة، ويبقى اسمي روزه على مُسمّاه ومعناه من رزانة ولياقة، بينما الأنا تعانق عالمي الخاص.. فتعال أيّها الظلّ ليتجلّى قلبي الذي لا يُبالي سوى بسلطتي الخفيّة، وليحدث ما يحدث في بياض الورق، فمصير ما أكتب الطمس والإعدام رميًا في خور ماءٍ لم يعد ضحلاً» (همان: ۱۰).

در مواجهه با این طرد و پشیمانی، نویسنده تصمیم می‌گیرد در دفتر خاطرات مخفی خود «اشک‌های قلبش را به جوهر: دمع قلبها إلى حبر» تبدیل کند، و در نهایت لال «خرساء» شود تا به خود لقب «الرزانة» بدهد. این دگرگونی،

توانایی خودِ مدرن را در مقابله با محدودیت‌ها و چالش‌ها از طریق ابزارهای خاص خود، در این مورد زبان و نوشتار خلاق، به عنوان شکلی از مقاومت و تاب‌آوری منعکس می‌کند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در رمان «یومیات روز» می‌توان گفت ریم الکمالی از زبان به عنوان میدانی برای تضاد بین سنت، که توسط آداب و رسوم خانواده و عمو نمایان می‌شود، و مدرنیته، که توسط توانایی‌های زبانی نویسندگان، آرزوهای آموزشی، ظاهر مدرن، وابستگی فکری و توانایی تبدیل تجربه شخصی او به یک اثر خلاقانه که نمایان می‌شود، استفاده کرده است.

۴-۳-۱. تضاد و تقابل زبانی

نظریه ون لیوون یکی از مهمترین نظریه‌ها در حوزه بلاغت و مطالعات زبان‌شناسی محسوب می‌شود. این نظریه معتقد است که تضاد و تقابل زبانی ابزارهای ضروری برای ساخت معنا و آشکار کردن تضادها و تقابل‌ها در متون ادبی و زبانی هستند. طبق نظریه او، تضاد، وجود کلمات یا عباراتی با معانی متضاد را که در یک متن با هم در تضاد هستند، بیان می‌کند و تنش و تضاد بین ایده‌ها یا شخصیت‌ها را برجسته می‌کند. از سوی دیگر، تضاد بر سازماندهی و متعادل کردن ایده‌ها یا تصاویر به شیوه‌ای متضاد یا مکمل تمرکز دارد تا تفاوت یا شباهت را به شیوه‌ای سازمان‌یافته و مؤثر نشان دهد. (مفتاح، ۱۹۹۰: ۶۳). ون لیوون معتقد است که استفاده از تضاد و تقابل، مفهوم را عمیق‌تر می‌کند، بیان تضادهای فرهنگی و فکری را افزایش می‌دهد و به شکل‌گیری تصاویر و زبان هنری قدرتمندتر و تأثیرگذارتر کمک می‌کند. این امر به وضوح در ادبیات عرب، که با استراتژی‌های ترکیب بلاغی و بیانی آن نشان داده شده است، مشهود است (همان: ۶۵). در اینجا به بررسی تضاد و تقابل زبانی در رمان «یومیات روز» می‌پردازیم.

در صفحات ۶۹ تا ۷۴ نویسنده کتاب یومیات روز می‌نویسد که روز چگونه با اعتقادات عمو و مادر بزرگش خودش را وفق می‌دهد تا بتواند از فشارهایی که آنها بر او وارد کرده‌اند بکاهد در این بخش از رمان «روز» نامزدی‌اش را وصف می‌کند که چگونه با لباس‌های سنتی که در حقیقت روز آنها را دوست ندارد خودش را آراسته است اما ناگهان خبر شنیدن مرگ داماد همه را مخصوصاً روز را شوکه می‌کند او را در رخت‌خوابش محدود می‌کند و بازار خرافات مادر بزرگش را داغ‌تر می‌کند: «في صباح ملؤه الاریاح، ارتدیت ثوب المَزْرِي بنقش بوشاهد الناعم، وبألوانٍ تكاد من الفرح أن تصل في أعدادها أعداد ألوان قوس قزح، مَزَيَّةً أذنيَّ وأصابعي بمصوغاتٍ ذهبية، مُتَذَكِّرةً ملابس النهضة العربية البسيطة، لعلَّ عاشقي يسمح لي يومًا بارتداء أصناف الموضة الدارجة! مزودةً برخاء الإحساس وثروة الشعور بكلِّ من حولي، والتفأول يطير بي حتى احترقتُ وجنتاي نصرًا» (الکمالی، ۲۰۲۱: ۶۸).

(ترجمه) «در صبحی سرشار از رضایت، لباس المزاری با طرح ظریف بوشهدش را پوشیدم، و با رنگ‌هایی چنان شاد که تقریباً به تعداد رنگ‌های رنگین‌کمان بودند، گوش‌ها و انگشتانم را با جواهرات طلا زینت دادم، به یاد لباس‌های ساده‌ی رنسانس عربی، شاید معشوقم روزی به من اجازه دهد آخرین مدها را ببوشم! مجهز به حسی از آسودگی و احساسی سرشار از احساس نسبت به همه اطرافیانم، و خوش‌بینی مرا تا جایی برد که گونه‌هایم از پیروزی سوختند».

ریم الکمالی با مهارت از ابزارهای تضاد و هم‌نشینی زبانی برای خلق یک بافت روایی غنی استفاده می‌کند که منعکس‌کننده کشمکش درونی شخصیت زن و تنش‌های اجتماعی و فرهنگی پیرامون اوست. این موضوع را می‌توان در نکات زیر به تفصیل شرح داد.

۴-۳-۲. تضاد بین شادی و غم (جشن و تراژدی)

متن با توصیف صبحی پر از «آرامش: الارتیاح» آغاز می‌شود که در آن دختر لباس «الجزی» به رنگ رنگین کمان می‌پوشد و خود را با جواهرات طلا می‌آراید، در صحنه‌ای سرشار از شادی و خوشبختی. این جنبه اوج جشن ازدواج را نشان می‌دهد و سنت‌های جشن را مجسم می‌کند.

این شادی ناگهان با خبر «استشهاد المعرس: شهادت داماد» روبرو می‌شود که زندگی او را به «أسوأ أسبوع: بدترین هفته» غم و اندوه تبدیل می‌کند که او را به رختخوابش محدود می‌کند. این دگرگونی ناگهانی، شکنندگی شادی را در مواجهه با بی‌رحمی سرنوشت آشکار می‌کند و تضاد شدید بین آنچه بود و آنچه شده است را برجسته می‌کند.

۴-۳-۳. تضاد بین آزادی و محدودیت‌ها (بیان خود و اقتدار اجتماعی)

دختر پشیمانی خود را از «دفتر ألفتها: دفترچه‌هایی که نابود کرده» و پشیمانی خود را از دور انداختن نوشته‌هایش ابراز می‌کند. او آرزو می‌کند که می‌توانست خاطرات و آثار خود را با همسر آینده‌اش به اشتراک بگذارد. این نشان دهنده اشتیاق عمیق او برای بیان خود و ارتباط فکری و خلاقانه است که جنبه فکری و وجودی «الحرية: آزادی» را نشان می‌دهد.

تضاد: «القيود: محدودیت‌ها» به وضوح در رفتار خانواده و جامعه او پس از سوگواری شوهرش تجسم یافته‌اند. مادر بزرگش او را مجبور می‌کند لباس‌هایش را «الملقوطة: پشت و رو» بپوشد و او از بیرون رفتن، ایستادن با موهای باز در مقابل ماه یا حتی نگاه کردن در آینه منع شده است. این محدودیت‌ها نه تنها فیزیکی، بلکه روانی و معنوی نیز هستند و آزادی او را برای سوگواری، ابراز وجود و تفکر محدود می‌کنند.

نویسنده از این ابزارهای بلاغی برای خلق جهانی متناقض استفاده می‌کند که واقعیت زیسته دختر را منعکس می‌کند. این تضاد و تقابل به معانی کلمات محدود نمی‌شود، بلکه به ساخت صحنه‌ها، پرورش شخصیت‌ها و به تصویر کشیدن تضاد تمدنی و فرهنگی بین سنت‌های ریشه‌دار باستانی و آرزوهای فردی برای بیان و آزادی نیز گسترش می‌یابد و به تراژدی‌ای منجر می‌شود که همه این تناقضات را در یک بوتۀ آزمایش واحد قرار می‌دهد و شکنندگی شادی را در مواجهه با خشونت واقعیت آشکار می‌کند.

۴-۳-۴. روابط قدرت و هویت در این تضاد زبانی

تحلیل ریم الکمالی از تضاد بین سنت و مدرنیته در «یومیات روز»، از دریچه‌ی ون لیوون، نشان می‌دهد که چگونه زبان برای بازتولید روابط قدرت و شکل‌دهی به هویت استفاده می‌شود. این امر در تضاد بین گفتمان اقتدار سنتی، که به نام عرف محدودیت‌هایی را بر «روز» تحمیل می‌کند، و گفتمان خودبیانگری، که نشان‌دهنده‌ی تلاش او برای بازیابی هویت از دست رفته‌اش است، مشهود است. زبان در اینجا صرفاً وسیله‌ای برای بیان نیست، بلکه ابزاری برای شکل‌دهی به واقعیت اجتماعی است، زیرا از عبارات زبانی برای تقویت کنترل و تعریف مجدد خود در مواجهه با این کنترل استفاده می‌شود. بنابراین، مبارزه‌ی زبانی به بازتابی از مبارزه‌ی بزرگ‌تر بر سر قدرت و هویت تبدیل می‌شود، در بخشی از رمان وقتی «روز» عاشق مردی می‌شود که خودش او را مرد یک چشم نامیده است احساس می‌کند که او می‌تواند روز

و آروزهایش را نجات بدهد دل به او می‌بندد و هویت خویش را در پناه او نجات یافته می‌بیند: «سَمِعْتُ زَوْجَةَ عَمِّي صوت طفلتها، فغادرت إليها مُسرعةً. وقد قرأتُ على غلاف الدفتر ما كُتِبَ شقيقها بخطِّ عريضٍ وأنيقٍ بقلم حبرٍ أحمر جافٍّ (همان: ۱۶۴).

(ترجمه) «زن عمویم صدای نوزادش را که شنید، سریع به سمتش رفت. روی جلد دفترچه یادداشت چیزی را خواندم که برادرش با خط درشت و زیبا و با خودکار قرمز خشک نوشته بود: «دفتر خاطرات رز» نویسنده‌ی رمان روشن می‌کند که زبان صرفاً وسیله‌ای برای بیان احساسات و ایده‌ها نیست، بلکه ابزاری قدرتمند است که برای شکل‌دهی و اجرای روابط اجتماعی، به‌ویژه روابط قدرت و تأثیر آنها بر هویت شخصی، استفاده می‌شود. از طریق تضاد زبانی، می‌بینیم که چگونه شخصیت‌ها قدرت خود را ابراز یا اعمال می‌کنند و چگونه هویت در این تضاد بازتعریف می‌شود. به عنوان مثال، وقتی مادر بزرگ در مورد زیبایی یک شوهر بالقوه صحبت می‌کند، می‌گوید: «وعلى الرغم من وسامته وحضور جماله، ظلَّ بعينٍ واحدة» (همان: ۱۶۸) «با وجود خوش‌قیافگی و زیبایی‌اش، او تک‌چشم باقی ماند.» در اینجا، تضاد بین زیبایی ظاهری و یک نگاه برای تأکید بر این نکته استفاده می‌شود که قدرت و تصویر اجتماعی کافی نیستند. حتی با زیبایی ظاهری، یک ضعف درونی وجود دارد که هویت را تهدید می‌کند و نوعی قدرت تحمیل شده توسط سنت بر فرد را برجسته می‌کند. الکمالی تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه می‌توان از بیان زبانی برای تحمیل «قدرت» اجتماعی بر فرد یا تعریف هویت او استفاده کرد.

او در توصیف خود می‌گوید: «لكنَّ شعري مبتور» (همان: ۱۶۷) «اما موهای من کوتاه شده است» در اینجا، تضادی بین تصویر ایده‌آل زیبایی و واقعیت نقص‌های او وجود دارد. این نشان می‌دهد که چگونه هویت شخصی با تصویر اجتماعی تثبیت‌شده در تضاد است. زبان برای نشان دادن این تنش استفاده می‌شود، با اصطلاح «قطع» که ضعف و محدودیتی را که بر هویت شخصی تأثیر می‌گذارد برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که قدرت اجتماعی از طریق دیکته‌های زبانی که به یک هویت خاص پایان می‌دهند یا آن را تحریف می‌کنند، اعمال می‌شود.

در زمینه‌ای دیگر، او هنگام صحبت در مورد آماده‌سازی عروسی خود می‌گوید: «خلف نافذتي المخزومة بالنقوش لم أعد أرى نورَ الشمس» (همان) (ترجمه) «پشت پنجره‌ام، که با حکاکی‌ها سوراخ شده است، دیگر نور خورشید را نمی‌بینم.» در اینجا، تضاد بین نور طبیعی و تاریکی، که نمادی از، از دست دادن امید یا کنترل است، نشان می‌دهد که قدرت به صورت نمادین اعمال می‌شود، زیرا متن نشان می‌دهد که چگونه قدرت اجتماعی می‌تواند هویت را محدود کند و زندگی فرد را از طریق نمادها و گفتمان‌های خاص کنترل کند.

«البنات تتحدث عن تمثّلها بشخصية روزه، وأنه يخاف أن يُكشف أمرها» (همان) (ترجمه) «دختر در مورد جعل هویت «روز» صحبت می‌کند و اینکه او می‌ترسد رازش فاش شود.» این نوعی تضاد بین تمایل به حفظ هویت درونی و پنهان شدن در پشت دیوارهای فرض است. در بیان زبانی، تضاد بین خود انعطاف‌پذیر و محدودیت‌های جامعه را برجسته می‌کند. «تذكر أن الشعر مبتور، وأن زيجة لا بد منها» (همان) (ترجمه) «به یاد داشته باشید که مو قطع می‌شود و ازدواج اجتناب‌ناپذیر است.» این تضاد، ضعف هویت شخصی در بند و کم‌عمقی مقاومت آن در برابر اقتدار اجتماعی را از طریق تصاویر زبانی که ضعف و نیاز آن به پذیرش را آشکار می‌کنند، نشان می‌دهد.

نتیجه

نظریه ون لیوون به وضوح نشان می‌دهد که چگونه انتخاب‌های زبانی (واژگان، دستور زبان، سبک و ایدئولوژی) نقش اساسی در بازنمایی سنت دارند. نویسندگان با به کارگیری واژگان و اصطلاحات خاص مربوط به سنت‌های ادبی، جملات توصیفی طولانی، افعال زمان گذشته و شیوه بیان ادبی و شاعرانه، نه تنها زبان سنت را بازآفرینی می‌کند، بلکه آن را تقویت نیز می‌کند. این انتخاب‌ها حس نوستالژی، تعلق و احترام به میراث فرهنگی را برمی‌انگیزد. علاوه بر این، نویسندگان با برجسته کردن تضادهایی مانند «الخمر فی دبی» در مقابل «المستثمر سلیل جبال الشام»، هوشمندانه به تضاد بین سنت و مدرنیته و چگونگی کنار آمدن جامعه با این تغییرات اشاره می‌کند.

«یومیات روز» به طور مؤثر تضاد بین سنت و مدرنیته را از طریق انتخاب‌های زبانی ظریف به تصویر می‌کشد. زبان سنت، که با تکیه بر باورهای خرافی، تأکید بر نقش‌های سنتی زنان، ارزش‌گذاری رویاها و خاطرات و استفاده از اصطلاحات و ساختارهای زبانی باستانی مشخص می‌شود، به وضوح از طریق شخصیت مادر بزرگ به تصویر کشیده شده است. این بازنمایی زبانی نه تنها هویت فرهنگی و میراث گذشته را حفظ و منتقل می‌کند، بلکه تعهد عمیقی را به ارزش‌ها و باورهای ریشه‌دار جامعه نیز منعکس می‌کند. در مقابل، شخصیت «روز» و جامعه مدرن ادبی که در رمان به تصویر کشیده شده است، با نوآوری‌ها و چالش‌های مدرن روبرو هستند. این تضاد زبانی، زمینه را برای درک تضاد بین این دو جهان فراهم می‌کند. در نهایت، این بازنمایی زبانی، قدرت سنت را در جامعه ادبی که در حال گذار است، حتی در مواجهه با مدرنیزاسیون، نشان می‌دهد. این رمان از زبان به عنوان عرصه‌ای برای تضاد بین سنت، که توسط آداب و رسوم خانواده و عمو نمایان می‌شود، و مدرنیته، که توسط توانایی‌های زبانی نویسنده، جاه‌طلبی‌های آموزشی، ظاهر مدرن، وابستگی‌های فکری و توانایی تبدیل تجربه شخصی او به کار خلاقانه نشان داده می‌شود، استفاده می‌کند. این تضاد زبانی، منعکس کننده تنش‌های اجتماعی و فرهنگی است که جوامع در گذار از سنت به مدرنیته با آن روبرو هستند.

«یومیات روز» با استفاده از تضاد و تقابل زبانی به طرز درخشانی دنیایی متضاد خلق می‌کند که واقعیت زیسته روز را منعکس می‌کند و تضاد فرهنگی و تمدنی بین سنت‌های تثبیت‌شده و آرزوهای فرد برای رهایی و ابراز وجود را به تصویر می‌کشد و به تراژدی‌ای منجر می‌شود که شکنندگی شادی را در مواجهه با سختی واقعیت آشکار می‌کند.

کتابنامه

۱. آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
۲. پاینده، حسین. (۱۳۸۶). نقد ادبی و نظریه‌های معاصر. تهران: مروارید.
۳. الجابری، محمد عابد. (۱۳۷۰). تکوین عقل عربی. بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
۴. شرشار، عبدالقادر. (۲۰۰۶). تحلیل الخطاب الأدبی وقضايا النص. وهران: دارالأدیب.
۵. عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه. تهران: نشر نی.
۶. عضدانلو، محمدرضا. (۱۳۸۰). زبان، قدرت و ایدئولوژی. تهران: سمت.
۷. الغدामी، عبدالله. (۱۳۷۹). نقد فرهنگی: قرائتی در نظام‌های فرهنگی عربی. ریاض: المركز الثقافی العربی.

۸. فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۰). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه حسین پاینده. تهران: نیلوفر.
۹. فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۴). *گفتمان و تغییر اجتماعی*. ترجمه محمد عنانی. قاهره: المجلس الأعلى للثقافة.
۱۰. فضل، صلاح. (۱۳۷۱). *بلاغت گفتمان و علم متن*. قاهره: دارالشروق.
۱۱. الکمالی، ریم. (۲۰۲۱). *یومیات روز*. بیروت: دارالآداب.
۱۲. مفتاح، محمد. (۱۹۹۰). *دینامیه النص: تنظیر و إنجاز*. بیروت: الدار البيضاء.
۱۳. نورگوا، نینا. (۱۳۹۴). *فرهنگ سبک‌شناسی*. ترجمه احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر. تهران: انتشارات مروارید.
۱۴. ون دایک، تئون ای. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۵. ون لیوون. (۲۰۰۸). *گفتمان و عمل: ابزاری جدید برای تحلیل گفتمان*. تهران: قلم.
۱۶. ون دایک، تئون آ. (۱۳۸۰). *تحلیل گفتمان: مقدمه‌ای چندرشته‌ای*. ترجمه سعید حسن بحیری. قاهره: دارالکتاب الجدید.
۱۷. ون لیوون، تئون. (۱۳۸۷). *گفتمان و کنش اجتماعی: ابزارهای نوین در تحلیل گفتمان انتقادی*. آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
۱۸. یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: انتشارات هرمس.
۱۹. یورگنسن، ماریان و فیلیپس لوئیز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.
۲۰. آقاگل‌زاده، فرامرز. (۱۳۹۰). «گفتمان سنت و مدرنیته در نقد ادبی معاصر». *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، ۱۸، صص ۲۱-۳۸.
۲۱. باقری، علی؛ نورسیده، علی‌اکبر؛ ضیغمی، علی. (۱۴۰۳). «الاستلزام التخاطبی فی ثمان من الرسائل السیاسیة لنهج البلاغة علی ضوء نظریة مبدأ التعاون». *مجله زبان و ادبیات عربی*، ۱۶(۳)، صص ۷۴-۹۱.
۲۲. پهلوان‌نژاد، محمدرضا، رحمان صحراگرد و محمدهادی فلاحی. (۱۳۸۸). «شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی معنایی». *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. شماره ۱. صص ۵۱-۷۳.
۲۳. صاحبی، سیامک، محمد هادی فلاحی و نسترن توکلی. (۱۳۸۹). «بررسی و نقد روایی گلستان بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان». *مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۱۶. صص ۱۰۹-۱۳۴.
۲۴. غلامعلی‌زاده، خسرو، شجاع تفکری رضایی و حمید رضا اکبری. (۱۳۹۶). «نام دهی و طبقه بندی کنشگران اجتماعی در داستان آل بر اساس الگوی ون لیوون». *دوماهنامه علمی پژوهشی جستارهای زبانی*. دوره هشتم. شماره ۷. صص ۷۱-۸۹.
۲۵. نوازنی، رحمان؛ رسول‌نیا، امیرحسین. (۱۴۰۲). «تقابل و ترادف‌های ایدئولوژیک قصیده «ارادة الحیاء» ابوالقاسم الشابی با تکیه بر دیدگاه لسلی جفریز». *مجله زبان و ادبیات عربی*، ۱۵(۴)، صص ۷۷-۹۵.

References

- Aghagolzadeh, Faramarz. (2011). *Discourse on Tradition and Modernity in Contemporary Literary Criticism*. Studies in Persian Language and Literature, 18, 21–38. (in Persian)
- Aghagolzadeh, Ferdows. (2011). *Critical Discourse Analysis*. Second Edition. Tehran: Scientific and Cultural. (in Persian)
- Al-Jabri, Mohammad Abed. (1991). *The Formation of Arabic Reason*. Beirut: Arab Unity Studies Center. (in Arabic)
- Azdanloo, Mohammad Reza. (1990). *Language, Power and Ideology*. Tehran: Samt. (in Persian)
- Al-Ghazami, Abdullah. (1990). *Cultural Criticism: A Reading in Arabic Cultural Systems*. Riyadh: Al-Markaz Al-Thaqafiya Al-Arabi. (in Arabic)
- Azdanlou, Hamid. (2001). *Discourse and Society*. Tehran: Nay Publishing House. (in Persian)
- Bagheri, Ali; Noursaydeh, Ali Akbar; Zighami, Ali. (1403). *The Addressing Requirement in Eight Political Letters of the Nahj al-Balagha in the Light of the Theory of the Principle of Cooperation*. Journal of Arabic Language and Literature, 16(3), 74–91. (in Persian)
- Fadl, Salah. (2013). *Rhetoric of Discourse and the Science of Text*. Cairo: Dar al-Shoroq. (in Arabic)
- Fairclough, Norman. (1990). *Critical Analysis of Discourse* (translated by Hossein Payandeh). Tehran: Niloufar. (in Persian)
- Fairclough, Norman. (2005). *Discourse and Social Change* (translated by Mohammad Anani). Cairo: Al-Majlis Al-A'la li-Thaqafiya. (in Persian)
- Gholamalizadeh, Khosrow; Shoja Tabarqari Rezaei, Reza; Akbari, Hamid Reza. (2017). *Naming and Classification of Social Actors in the Story of Al Based on the Van Leeuwen Model*. Bimonthly Scientific Research Journal of Linguistic Essays, 8(7), 71–89. (in Persian)
- Jorgensen, Marian; Phillips, Louise. (1389). *Theory and Method in Discourse Analysis*. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Nishrani. (in Persian)
- Kamali, Rim. (۲۰۲۱). *Daily Life*. Beirut: Dar al-Adab. (in Arabic)
- Miftah, Mohammad. (1990). *Dynamism of Text: Observation and Completion*. Beirut: Dar al-Bayda. (in Arabic)
- Nawazani, Rahman; Rasoulnia, Amir Hussein. (1402). *Ideological Contrasts and Synonyms of the Poem "Irada al-Hayyat" by Abul-Qasim al-Shabi Based on the Perspective of Leslie Jeffries*. Journal of Arabic Language and Literature, 15(4), 77–95. (in Persian)
- Norgua, Nina. (2015). *The Culture of Stylistics*. Translated by Ahmad Rezaei Jamkarani and Masoud Farahmandfar. Tehran: Morvarid Publications. (in Persian)
- Pahlavanejad, Mohammad Reza; Sahragerd, Rahman; Fallahi, Mohammad Hadi. (2009). *Methods of Representing Social Agents in Constitutional Era Publications from the Perspective of Critical Discourse Studies with Attention to Discourse-Based Sociological Semantic Components*. Journal of Linguistics and Dialects of Khorasan, 1, 51–73. (in Persian)
- Payandeh, Hossein. (2007). *Literary Criticism and Contemporary Theories*. Tehran: Morvarid. (in Persian)
- Sahibi, Siamak; Fallahi, Mohammad Hadi; Tavakoli, Nastaran. (2009). *A Review and Criticism of the Golestan Narrative Based on the Theory of Critical Discourse Analysis*. Journal of Persian Language and Literature Research, 16, 109–134. (in Persian)
- Sharshar, Abdul Qadir. (2006). *Analysis of Literary Speech and Issues of Text*. Oran: Dar al-Adib. (in Arabic)
- Van Dijk, Teun A. (1380). *Discourse Analysis: A Multidisciplinary Introduction* (translated by Saeed Hassan Bahiri). Cairo: Dar al-Kitab al-Jadid. (in Persian)
- Van Dijk, Teun A. (2003). *Studies in Discourse Analysis: From Text Grammar to Critical Discourse Analysis*. Translated by Pirouz Izadi et al. Tehran: Media Studies and Research Center. (in Persian)

Van Leeuwen, Theo. (2008). *Discourse and Social Action: New Tools in Critical Discourse Analysis*. Oxford: Oxford University Press.

Van Leeuwen, Theo. (2008). *Discourse and Practice: A New Tool for Discourse Analysis*. Tehran: Qalam. (in Persian)

Yarmohammadi, Lotfollah. (1383). *Popular and Critical Discourseology*. Tehran: Hermes Publishing. (in Persian)